

درآمدی بر
فهم ایدئالیسم آلمانی

فهرست

۱۱	پیشگفتار مترجم
۱۵	سیاسگزاری
۱۷	فهرست اختصارات
۲۱	سالشمار ایدئالیسم آلمانی
۲۳	۱. مقدمه: مدرنیته، عقلانیت و آزادی
۲۵	مدرنیته، عقلانیت و آزادی
۲۷	تجربه گرایی، شکاکیت و تعیین گرایی
۳۷	«نقادی» عقل و ایدئالیسم آلمانی
۳۹	۲. کانت: ایدئالیسم استعلایی
۴۴	حدود شناخت و امکان آزادی
۶۷	الزامات آزادی و خودآیینی عقل
۸۰	جایگاه آزادی در جهان طبیعی
۸۸	خلاصه نکات کلیدی
۹۱	۳. چالش های شکاکانه و بسط ایدئالیسم استعلایی
۹۴	چالش شکاکانه یا کوبی در برابر کانت

۱۰۴	دفاع دگرگون‌کننده راینهولد از کانت
۱۱۶	چالش شکاکانه شولتسه در برابر راینهولد
۱۲۲	نتیجه‌گیری
۱۲۴	خلاصه نکات کلیدی
۱۲۵	۴. فیشته: به سوی ایدئالیسم علمی و نظام‌مند
۱۲۷	پاسخ به شکاکیت شولتسه: «بررسی انیسیدموس»
۱۳۰	ایدئالیسم نظام‌مند: «در باب مفهوم آموزه علم»
۱۴۰	آموزه علم
۱۵۷	بنیادهای حق طبیعی و نظام اخلاقیات
۱۷۲	نتیجه‌گیری
۱۷۳	خلاصه نکات کلیدی
۱۷۵	۵. شلینگ: ایدئالیسم و مطلق
۱۸۰	شلینگ متقدم: از فیشته به اسپینوزا
۱۹۰	شلینگ میانی: فلسفه این‌همانی
۲۱۹	نتیجه‌گیری
۲۲۱	خلاصه نکات کلیدی
۲۲۳	۶. هگل: فلسفه نظام‌مند بدون بنیاد
۲۲۷	فحوای نظام‌مند نوشته‌های پیشانظام‌مند
۲۳۴	مقدمه بر فلسفه نظام‌مند: پدیدارشناسی روح
۲۴۷	فلسفه نظام‌مند
۲۷۷	نتیجه‌گیری
۲۸۰	خلاصه نکات کلیدی
۲۸۳	۷. نتیجه‌گیری: عقلانیت، آزادی و مدرنیته؟
۲۸۹	رمانتیسم اولیه: جدال شاعرانه با فلسفه

۲۹۳ نقد متأخر شلینگ بر هگل

۲۹۶ بدیل‌های پسا‌هگلی

۳۰۱ پرسش‌هایی برای بحث و بازنگری

۳۰۵ برای مطالعه بیشتر

۳۰۹ منابع

۳۱۳ واژه‌نامه انگلیسی به فارسی

۳۱۷ نمایه

پیشگفتار مترجم

بر اساس سنتی مرسوم در تواریخ فلسفه، ایدئالیسم آلمانی را دوره‌ای لحاظ کرده‌اند که مابین انتشار نقد عقل محض کانت (۱۷۸۱) و مرگ هگل (۱۸۳۱) ظهور و بروز داشت. در این دوره بود که ایده‌های انقلابی عصر جدید، از جمله عقلانیت، آزادی و پیشرفت، نضج کاملی یافتند و دلالت‌های ضمنی خود را به طور تمام و کمال آشکار ساختند. این نیم قرن شاهد رخ برآوردن چهار فیلسوف پراهمیت (کانت، فیشته، شلینگ و هگل) بود که تأملات و آثارشان انقلابی در فلسفه پدید آوردند و اندیشه فلسفی پس از خود (منطق، معرفت‌شناسی، متافیزیک، فلسفه طبیعت، اخلاق و سیاست) را به مسیر کاملاً متفاوتی سوق دادند.^۱ البته هستند مورخان فلسفه‌ای که درباره این تفسیر سنتی چون و چرا کرده و مدعی شده‌اند که سنت ایدئالیسم آلمانی با مرگ هگل پایان نیافت و تطوّر این سنت را باید تا پایان قرن نوزدهم ادامه‌دار بدانیم.^۲

۱. البته در کنار ایشان چند چهره به اصطلاح حاشیه‌ای نیز حضور داشتند (از جمله یاکوبی، راینهولد، شولتسه و ...) که گاه گام‌های پراهمیت و تعیین‌کننده‌ای در روند ایدئالیسم آلمانی برداشتند.

۲. مثلاً، بنگرید به این اثر: